

دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید،

جلسه ۱۰: نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش ۲، خود پولس - فیلیپیان ۳: ۱-۱۴

نوشته تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». این جلسه دهم، نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش دوم: خود پولس - فیلیپیان ۳: ۱-۱۴ است.

به جلسه دهم در مطالعه ما در مورد فیلیپیان، نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش دوم، که به خود پولس اشاره دارد، خوش آمدید. ما فصل ۳: ۱-۱۴ را پوشش خواهیم داد.

قبل از خواندن متن، بیایید خلاصه‌ای از آنچه در متن قبلی دیدیم را مرور کنیم. در فیلیپیان ۲: ۱۹-۳۰، پولس دو همکار خود را به عنوان نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه معرفی کرد.

بنابراین دیدیم که پولس در بخش اول، تیموتائوس را معرفی می‌کند و سپس درباره اپافرودیتوس صحبت می‌کند و عمداً زندگی، شخصیت و فعالیت‌های آنها را با زبانی که از سرود مسیح وام گرفته شده است، و همچنین توضیحات قبلی در فصل ۲ آیات ۱ تا ۴ در مورد اینکه داشتن این طرز فکر مانند مسیح چگونه به نظر می‌رسد، توصیف می‌کند. بنابراین این بخش ۱ بود. اکنون بخش ۲ است زیرا در فصل ۳ آیات ۱ تا ۱۴، پولس قصد دارد خود را به عنوان نمونه‌ای از طرز فکر مسیح‌گونه معرفی کند. بنابراین بیایید اکنون متن را در فصل ۳ آیات ۱ تا ۱۴ دنبال کنیم.

پولس می‌نویسد، اگرچه من خودم نیز به جسم اعتماد دارم. اگر کسی دیگر گمان می‌کند که به جسم اعتماد دارد، من بیشتر دارم. ختنه شده در روز هشتم از قوم اسرائیل، از قبیله بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از نظر شریعت، فریسی، از نظر غیرت، آزار دهنده کلیسا، از نظر عدالت تحت شریعت، بی‌عیب و نقص.

اما هر سودی که داشتم، آن را به خاطر مسیح زیان شمردم. در واقع، من همه چیز را به خاطر ارزش والای شناخت مسیح عیسی، خداوند، زیان می‌دانم. به خاطر او، من همه چیز را از دست داده‌ام و آنها را زیاله می‌دانم تا مسیح را به دست آورم و در او یافت شوم، نه با عدالتی از جانب خودم که از شریعت می‌آید، بلکه با عدالتی که از طریق ایمان به مسیح حاصل می‌شود، عدالتی از جانب خدا که به ایمان وابسته است، تا او و قدرت رستخیزش را بشناسم و در رنج‌های او شریک شوم و در مرگش مانند او شوم، تا به هر طریق ممکن به رستخیز از مردگان دست یابم.

نه اینکه من قبلاً این را به دست آورده‌ام یا در حال حاضر کامل هستم، اما من به تلاش برای رسیدن به آن ادامه می‌دهم، زیرا مسیح عیسی مرا از آن خود کرده است. برادران، من فکر نمی‌کنم که آن را به دست آورده‌ام، اما یک کار انجام می‌دهم، فراموش کردن آنچه در پشت سر است و تلاش برای رسیدن به آنچه در پیش است، به سوی هدف می‌روم تا جایزه دعوت الهی در مسیح عیسی را به دست آورم. بنابراین در این متن چیزهای زیادی در جریان است.

بیایید سعی کنیم آن را به بخش قابل مدیریت‌تری تقسیم کنیم. ساختار کلان در اینجا این است که در آیات ۱ تا ۶ پولس چیزی را ارائه می‌دهد که در واقع به عنوان یک مثال منفی به آن اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، او قصد دارد بین برخی افراد دیگر و خودش تضاد ایجاد کند.

و بنابراین، پس از دعوت اولیه به شادی و هشدار در مورد معلمان دروغین، پولس قصد دارد درباره زندگی پیش از گرویدن خود، یعنی قبل از مواجهه با مسیح قیام کرده، صحبت کند. سپس در آیات ۷ تا ۱۴، او نمونه مثبتی از زندگی فعلی خود ارائه می‌دهد تا این طرز فکر مسیح‌گونه را نشان دهد. او قرار است درباره ارزش والای شناخت مسیح و همچنین تلاش مصممانه خود برای شناخت مسیح صحبت کند.

خب، این تصویر کلی اینجاست. بیایید عمیق‌تر شویم. پولس در فیلیپیان ۳: ۱-۱۴ با خودش شروع می‌کند.

او نمونه‌ای برای تماشا است. اما قبل از اینکه به خودش برسد، در واقع قرار است حضاری بکند، فراخوانی دیگر. فرمانی. قرار است فراخوانی برای شادی بدهد.

و او همچنین قرار است در مورد برخی از معلمان دروغین هشدار دهد. بنابراین به فصل ۳ آیه ۱ توجه کنید، او می‌گوید: «در خداوند شاد باشید». نوشتن همین مطالب برای شما برای من مشکلی ندارد و برای شما امن است.

انگار دارد تصدیق می‌کند که وقتی مدام می‌گویم شاد باشید، شاد باشید، انگار صدایم مثل یک ضبط صوت شکسته است. و پولس می‌گوید، قرار نیست بابت این واقعیت که مدام این را می‌گویم عذرخواهی کنم. بنابراین، همانطور که دیده‌ایم، این ایده شادی کردن، یک مضمون اصلی در فیلیپیان است.

اما می‌خواهم روی این واقعیت تمرکز کنم که وقتی پولس فیلیپیان را به شادی فرا می‌خواند، این یک دستور است. و این نشان می‌دهد که این چیزی بیش از یک احساس است. عمیق‌تر از یک احساس است.

این چیزی است که در واقعیتی عمیق‌تر از آنچه احساسات سطحی ما اغلب تجربه می‌کنند، نهفته است. و بنابراین این دعوت به شادی به عنوان یک حفاظ ارائه می‌شود. جالب است که او این دعوت به شادی را به عنوان چیزی ارائه می‌دهد که فیلیپیان را حفظ و محافظت خواهد کرد.

آن شادی چیزی است که می‌تواند ما را از خطر حفظ و حراست کند. و بنابراین او آن فرمان خاص را صادر می‌کند. و سپس او در آیه ۲ تقریباً به طور ناگهانی تغییر جهت می‌دهد تا درباره این معلمان دروغین صحبت کند.

در پایان آیه ۲: مراقب سگ‌ها باشید. مراقب بدکاران باشید. مراقب کسانی باشید که گوشت را مثله می‌کنند.

خب، اینجا در یونانی کمی واج‌آرایی وجود دارد. هر یک از این اصطلاحات، سگ‌ها، بدکاران و کسانی که مثله می‌کنند، با حرف کاپا در یونانی شروع می‌شوند. خب، تشخیص این موضوع در انگلیسی سخت است.

و بیشتر ترجمه‌های انگلیسی ما حتی تلاشی هم نمی‌کنند. اما من فکر کردم، چرا که نه؟ بیایید امتحانش کنیم. بنابراین the mutts، the malefactors، و the mutilators. beware of یا look out for در مورد آوردن آن واج‌آرایی اینجا، می‌توانیم آن را در انگلیسی به صورت

به عبارت دیگر، پولس در مورد این افراد که برای فیلیپیان خطر یا تهدیدی محسوب می‌شوند، هشدار می‌دهد. حال، به نظر نمی‌رسد که آنها به طور فعال در کلیسای فیلیپی مشارکت داشته باشند یا درگیر باشند. این بیشتر به عنوان یک هشدار کلی تلقی می‌شود که مراقب این افراد باشید زیرا ممکن است ظاهر شوند و سعی کنند برای شما مشکل ایجاد کنند.

بنابراین، به آنها سگ گفته می‌شود. و باز هم، اینجاست که درک زمینه تاریخی گسترده‌تر مهم است. سگ‌ها واقعاً در دنیای باستان حیوانات خانگی نبودند.

ما صدای سگ‌ها را می‌شنویم و می‌توانیم فکر کنیم، خب، من یک سگ دارم و عاشق سگم هستم. حیوان خانگی خوبی است. سگ‌ها در دنیای باستان لاشخور بودند.

آنها معمولاً چیزی نبودند که با محبت به آنها نگاه شود. ایده این شروران و سپس کسانی که گوشت را مثله می‌کنند. این روش ظریفی برای صحبت در مورد افرادی نیست که از ختنه به عنوان ضروری برای نجات حمایت می‌کردند.

و بنابراین، او در واقع به آن به عنوان مثله کردن اشاره می‌کند. و او قصد دارد آن را تغییر دهد و در آیه بعدی در مورد تضاد صحبت کند. اما پولس در آنجا با استفاده از واج‌آرایی، کمی از یک چاشنی بلاغی استفاده می‌کند، به این امید که فیلیپیان خطرات این افراد بی‌عرضه، تبهار و مثله‌کننده را که ما در انگلیسی آنها را چنین می‌نامیم، در نظر داشته باشند.

بنابراین، این هشدار است، و سپس او می‌خواهد بگوید که این معلمان دروغین چه کسانی هستند. در مقابل، این چیزی است که در مورد ما به عنوان مؤمنان صادق است. ما ختنه شده هستیم.

حالا، متوجه خواهید شد که در اسلاید، کلمه «درست» را آورده‌ام. فقط برای روشن شدن موضوع، این در متن نیست. اما فکر می‌کنم منظور پولس همین است.

به عبارت دیگر، آنچه او تأکید می‌کند این است که ما به عنوان مسیحیان تجربه می‌کنیم که ختنه چه هدفی را دنبال می‌کرد. به عبارت دیگر، ختنه قلب. اگر به یاد داشته باشید، یکی از چیزهایی که خدا در مورد بنی‌اسرائیل به آن اشاره می‌کند این است که با وجود ختنه شدن فیزیکی، آنها قلبی برای شناخت آن نداشتند.

و بنابراین، عهد عتیق انتظار چنین روزی را داشت که همه قوم خدا این ختنه قلبی، یعنی نیت واقعی را داشته باشند. آن ختنه هرگز فقط به عنوان یک عمل فیزیکی در نظر گرفته نشده بود. بلکه اهمیت معنوی نیز داشت.

و پولس می‌گوید همه ما که با مسیح متحد هستیم، صرف نظر از اینکه یهودی باشیم یا غیریهودی، و صرف نظر از اینکه ختنه شده باشیم یا نه، ما ختنه شده هستیم. ما واقعیت واقعی آن چیزی هستیم که خدا قصد داشت آن را نشان دهد. سپس او می‌گوید که ما عبادت می‌کنیم، و این را می‌توان به عنوان یا در روح خدا یا توسط روح خدا ترجمه کرد.

و من فکر می‌کنم این احتمالاً نوعی تضاد عمدی با ادعای قبلی در مورد معلمان دروغین است که به قول او شرور بودند یا به قول ما در این عبارت غنایی، تبهکار. اما در مقابل کسانی که کارهای شیطانی انجام می‌دهند، ما به قدرت روح خدا، پرستش می‌کنیم. و سوم، ما به مسیح عیسی فخر می‌کنیم.

به عبارت دیگر، شادی ما در مسیح است، امید ما در مسیح است، و در کنار آن، ما هیچ اعتمادی به جسم نداریم. و این آخرین ایده در اینجا، این اعتماد به جسم است که پولس را به تأمل در زندگی پیش از گرویدنش سوق می‌دهد. بنابراین باید یک دقیقه مکث کنیم و در مورد این ایده که منظور پولس از اعتماد به جسم چیست، فکر کنیم. این به معنای اعتماد یا تکیه بر کارهایی است که انجام می‌دهیم یا چیزهایی که در مورد ما صادق هستند، به عنوان زمینه یا مبنایی برای داشتن رابطه‌ای درست با خدا.

و بنابراین آنچه پولس در ادامه به ما ارائه می‌دهد، چیزی است که می‌توانیم آن را به عنوان رزومه‌ای که او قبل از ملاقات با مسیح ارائه می‌داد، در نظر بگیریم. اینها چیزهایی هستند که او تمایل داشت به آنها اعتماد کند. به عبارت دیگر، از کجا بدانم که با خدا صادق هستم؟ خب، بگذارید فهرستی از این دلایل را برای شما ارائه دهم.

و بنابراین، وقتی به زندگی پولس قبل از گرویدن به مسیحیت نگاه می‌کنیم، می‌توانیم مانند پولس با این شروع کنیم که او در روز هشتم ختنه شد. به عبارت دیگر، او از یک خانواده معتقد و وفادار می‌آید، زیرا بدیهی است که در دوران نوزادی، او هیچ کنترلی بر ختنه شدن خود نداشته است. اما طبق شریعت موسی، این یک الزام بود که در روز هشتم، هر کودک پسر باید ختنه شود.

و بنابراین او می‌گفت، بله، آن گزینه را علامت بزنید. والدین من وفادار بودند. آنها از عهد شریعت موسی پیروی می‌کردند.

دوم، او از قوم اسرائیل است. به عبارت دیگر، او در قوم عهد خدا متولد شد. او بخشی از قومی بود که خدا با آنها عهد بسته بود.

و در نتیجه‌ی آن، او خود را وارث وعده‌ها، به عنوان کسی که دریافت‌کننده‌ی برکات عهد خدا بود، می‌دید. سوم، او از قبیله‌ی بنیامین بود. بنابراین او از اسرائیل به بنیامین می‌رود.

و این نکته از این جهت قابل توجه بود که وقتی پادشاهی اسرائیل بین پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی تقسیم شد، ده قبیله شمالی از دو قبیله جنوبی جدا شدند. و ده قبیله شمالی در ارتداد عمیق‌تر و عمیق‌تری فرو رفتند. در حالی که دو قبیله جنوبی، یهودا و بنیامین، نیز به بت‌پرستی روی آوردند، اما تا حدودی پس از تبعیدشان بازگردانده شدند.

و برخی از نوادگان خود پولس در میان کسانی بودند که بازگشتند و پس از تبعید به تثبیت حضور خود در آن سرزمین کمک کردند. و بنابراین پولس اساساً می‌گوید، من یکی از آن ده قبیله شمالی نبودم. من بخشی از قبیله بنیامین بودم.

چهارم، او خود را به عنوان یک عبری عبرانیان توصیف می‌کند. و بحث‌های زیادی در مورد معنای این عبارت وجود دارد. این می‌تواند به کسی اشاره داشته باشد که می‌گوید منظور از این عبارت، یک عبری زبان بومی است.

یا می‌تواند به سادگی به او به عنوان یک عبری تمام‌عیار اشاره کند. این می‌تواند نوعی بیان برای تأکید بر این باشد که بله من نه تنها عضوی از قبیله، از نوادگان قبیله بنیامین بودم، بلکه با وجود اینکه برخی از اقوام من و امثال من بیشتر به فرهنگ یونانی و این قبیله چیزها گرایش پیدا کرده‌اند، من یک عبری عبرانیان هستم. پنجم، او می‌گوید، در مورد قانون فرهنگ فریسیان، در مورد قانون فریسیان.

اکنون، اینجا است که دانستن کمی پیشینه تاریخی به ما کمک می‌کند. فریسیان به خاطر پایبندی بسیار دقیقشان، نه تنها به شریعت موسی، بلکه به مجموعه قوانین و مقررات اضافی که علاوه بر آن وضع می‌کردند تا به عنوان نوعی حصار برای جلوگیری از احتمال نقض شریعت موسی عمل کنند، شناخته می‌شدند. و بنابراین فریسیان این مجموعه دیرینه از سنت‌های شفاهی را که به سال‌های بسیار دور برمی‌گشت، ایجاد و حفظ کردند و آن را معادل الزامات واقعی شریعت موسی می‌دانستند.

و بنابراین وقتی پولس در مورد شریعت فریسیان می‌گوید، منظورش این است که من در تلاش‌هایم برای حفظ و اطاعت از جایگاهم در عهد به عنوان یک فرد وفادار، دقیق بودم. سپس، در آیه چهارم می‌گوید - ببخشید، آیه پنجم - او می‌گوید، ببخشید، آیه ششم، در مورد غیرت، یک جفاکار کلیسا. ممکن است فکر کنید، این چیز جالبی است که در رزومه خود قرار دهید، اما چرا پولس به آن اشاره می‌کند؟ خب، او به این دلیل به آن اشاره می‌کرد که انگیزه او به عنوان یک فریسی حفظ پاکی قوم خدا بود.

و از دیدگاه او به عنوان یک فریسی، او مسیحیان اولیه را می‌دید که کارهایی می‌کردند و چیزهایی می‌گفتند که پاکی قوم خدا را تهدید می‌کرد. و بنابراین او چنان متعهد بود که حاضر بود بیرون برود و مسیحیان اولیه را آزار و اذیت کند تا پاکی قوم یهود را حفظ کند. و یک مورد آخر که در اینجا در اسلاید ذکر نشده است، اما در اینجا در متن، آیه ششم، آمده است، پولس می‌نویسد که در مورد عدالت تحت شریعت، بی‌عیب و نقص است.

خب، منظور پولس در اینجا چیست؟ در مورد عدالت تحت شریعت، بی‌عیب و نقص. من فکر نمی‌کنم که پولس بگوید که فکر می‌کرد بی‌گناه یا کامل است. من به ابزارهای موجود در عهد شریعت موسی برای کفاره فکر نمی‌کنم.

و بنابراین او می‌گوید، ببینید، با هر معیار بیرونی قابل مشاهده، من در موقعیت خوبی بودم. من می‌خواستم به همه این چیزها اعتماد کنم. و پس چرا او اینها را فهرست می‌کند؟ انگار دارد می‌گوید این افراد می‌خواهند اعتمادشان را به صورت عینی نشان دهند.

و او می‌گوید، باشه، من می‌توانم آن بازی را انجام دهم، و می‌توانم هر کدام از آنها را در آن بازی شکست دهم. من دلایل بسیار بیشتری برای اعتماد به نفس دارم تا هر کدام از آنها. و ما از جاهای دیگر کتاب مقدس می‌دانیم که پیشینه پولس، شجره‌نامه او، در چارچوب فرهنگ یهودی زمان خود، چشمگیر بود.

او زیر نظر یکی از خاخام‌های برجسته زمان خود، غملائیل، تحصیل کرد. و به همین دلیل از شجره‌نامه کاملی برخوردار بود. او به وضوح به عنوان یکی از این ستاره‌های در حال ظهور در فرهنگ یهودی زمان خود شناخته می‌شد.

و پولس می‌گوید، اگر بخواهم اعتمادم را به جسم معطوف کنم، رزومه‌ام می‌تواند از هر کسی پیشی بگیرد. و سپس او این گذار باشکوه را در اینجا در آیه ۷ انجام خواهد داد، وقتی که در آیه ۷ می‌گوید، اما هر سودی که داشتم، به خاطر مسیح ضرر دانستم. در واقع، من همه چیز را به خاطر ارزش والای شناخت مسیح، عیسی، قلبم، ضرر می‌دانم.

بنابراین ارزش والای شناخت مسیح. پولس در اینجا از زبان حسابداری استفاده می‌کند. و بنابراین برای آن دسته از شما که به اعداد و حسابداری علاقه دارید، این متن مناسب شماست.

شما یک ستون با سود و یک ستون با ضرر دارید. و آنچه پولس می‌گوید این است که هر چیزی که قبلاً در ستون سود بود، آن را به ستون ضرر منتقل کرده است تا مسیح را بشناسد. این کار، به یک معنا، برای او به قیمت همه چیز تمام شد: از دست دادن همه چیز.

و اینجاست که فکر می‌کنم تأمل در این مورد برای ما مفید است. زیرا پولس در مورد چیزهایی صحبت می‌کند که به خودی خود بد نیستند. آنها در واقع چیزهای خوبی هستند.

و از دیدگاه کتاب مقدس، می‌توان آنها را درک کرد، به جز آزار و اذیت کلیسا. این یک مورد بدیهی است. اما ایده عبری بودن از عبرانیان، از قبیله بنیامین بودن، ختنه شدن در روز هشتم، همه این چیزها در کتاب مقدس به عنوان چیزهای خوب به خودی خود نشان داده شده‌اند.

البته، آنها می‌توانند تحریف شوند و می‌توانند منحرف شوند. اما پولس نمی‌گوید، بله، من این زندگی وحشتناک، بی‌خدا و بی‌ملاحظه را دارم که در آن در انواع فساد آشکار غرق می‌شدم. و من این را به عنوان ضرر برای به دست آوردن مسیح در نظر گرفتم.

او می‌گوید که اینها اساساً در کل چیزهای خوبی هستند. و با این حال من چیزی بسیار بزرگتر یافته‌ام. اما ایده اینجا این است که مسیح، با شناخت او، حتی از چیزهای خوبی که پولس می‌توانست در جاهای دیگر بابت آنها سپاسگزار باشد، آنقدر برتر است که در مقایسه، آن چیزها ضرر محسوب می‌شدند.

در واقع، او ادامه می‌دهد، چیزی می‌گوید که اگر فقط بی‌حس نباشیم، خیره‌کننده است. او می‌گوید، به خاطر او، من از دست دادن همه چیز را تحمل کرده‌ام و آنها را زباله می‌دانم. خب، این کلمه بیشتر برای ما اینجا یک کلمه بریتانیایی است، درست است؟ زباله.

چیزهایی که بیرون می‌آیند، سرنوشتشان رفتن به فاضلاب است. این چیزی است که او اینجا مد نظر دارد. حتی چیزهای خوب.

حال، این شبیه به زمانی است که عیسی در انجیل‌ها چیزهایی می‌گوید، مثلاً اگر از پدر و مادرت متنفر نباشی، نمی‌توانی شاگرد من باشی. این یک شیوهی بیان است. این یک استعاره است که این تضاد را ترسیم می‌کند، جایی که پولس در مقام مقایسه می‌گوید، شناخت مسیح آنقدر بزرگتر از حتی این چیزهای خوب است که شکاف بین آنها آنقدر زیاد است که انگار این چیزهایی که به خودی خود خوب هستند، در مقایسه با عظمت شناخت مسیح، در واقع زباله هستند.

و بنابراین او می‌گوید، این معلمان دروغین، می‌خواهند دور و برشان را بگیرند، و می‌خواهند به این چیزهایی افتخار کنند که در مقایسه با شناخت مسیح، مانند چیزهایی هستند که در خیابان‌ها جاری می‌شوند و به سمت فاضلاب می‌روند. پس چرا او باید بخواهد به آن جذب شود؟ این نکته‌ی اوست. و به عنوان بخشی از شناخت مسیح، توجه کنید که او در آیه ۹ می‌گوید، و در او یافت شوید، نه با عدالتی از جانب خودم که از شریعت می‌آید، بلکه با عدالتی که از طریق ایمان به مسیح می‌آید، عدالتی از جانب خدا که به ایمان بستگی دارد.

می‌بینید، برای پولس به عنوان یک فریسی، بخشی از آنچه که او از رابطه‌اش با خدا درک می‌کرد این بود که عدالت او به نوعی به حفظ شریعت بستگی دارد. و هنگامی که او با مسیح قیام کرده روبرو شد، چیزی که او متوجه شد این بود که عدالتی که او نیاز داشت، هدیه‌ای از جانب خداست. این چیزی نیست که او تولید کند؛ چیزی است که او با ایمان به مسیح دریافت می‌کند.

این یک هدیه است. و بنابراین او به این نتیجه رسیده است که شناخت مسیح از هر چیز دیگری در این زندگی ارزشمندتر است. و حتی از نظر مقایسه هم نزدیک به آن نیست.

بنابراین، اکنون پولس قصد دارد منظور خود از شناخت مسیح را توضیح دهد. او قصد دارد این ایده را کمی بسط دهد. بنابراین او نمی‌خواهد فقط مسیح را به معنای رابطه‌ای بشناسد، که البته درست است، بلکه این شامل شناخت قدرت رستائیز مسیح نیز می‌شود.

تأمل در این نکته که قدرت رستاخیز مسیح، قدرتی که مسیح را از مردگان برخیزانید، چیزی است که می‌توانیم در زندگی ... خود تجربه کنیم، شگفت‌انگیز است. قدرتی که از مرگ حیات بخشید. پولس می‌گوید، می‌خواهم این را بدانم

نه فقط از نظر مفهومی، بلکه می‌خواهم آن قدرت رستاخیز را در زندگی‌ام ببینم که چیزهایی را که مرا از مسیح دور می‌کند از من دور می‌کند و مرا به او نزدیک‌تر می‌کند. می‌خواهم آن قدرت رستاخیز را تجربه کنم. این خوب و عالی به نظر می‌رسد.

و ما گفتیم، بله، این چیزی که من می‌خوام. من قدرت رستاخیز می‌خوام. این عالی به نظر می‌رسد.

و او می‌گوید، اما من هم می‌خواهم در رنج‌های او شریک باشم. و همانطور که در فصل ۱، آیات ۲۹ و ۳۰ دیدیم، رنج یک هدیه است. همیشه هدیه‌ای نیست که ما می‌خواهیم، اما یک هدیه است.

و پولس می‌گوید بخشی از شناخت مسیح، سهمیم شدن در رنج‌های اوست. حال، اینها رنج‌هایی نیستند که گناهان ما را ببخشند یا ما را نزد خدا محبوب کنند. اینها سهمیم شدن در رنج‌هایی هستند که از یکی شدن با مسیح ناشی می‌شوند.

و بنابراین پولس می‌گوید، من می‌خواهم مسیح را بشناسم. و بخشی از شناخت مسیح، اگر می‌خواهید او را به طور کامل بشناسید، سهمیم شدن در رنج‌های اوست. و در آخر، پولس می‌گوید که می‌خواهد بداند، می‌خواهد به رستاخیز از مردگان دست یابد.

خب، جالبه. اون در موردش صحبت کرده، من می‌خوام قدرت رستاخیز مسیح رو در زندگی‌م تجربه کنم. با این حال، اون می‌گه، هدف من رسیدن به رستاخیز از مردگانه.

و شما می‌گویید، خب، پولس اینجا چه می‌گوید؟ او اذعان می‌کند که تجربه ما از شناخت مسیح، یک پویایی از پیش موجود و یک پویایی هنوز موجود نیست. اما هدف نهایی در نهایت رسیدن ما به رستاخیز از مردگان است، جایی که بدن‌های ما به زندگی جدید برمی‌خیزند. و سپس ما در خلقتی جدید، عاری از هرگونه لکه گناه، لعنت یا مرگ یا هر چیز دیگری از این قبیل، با خداوند خواهیم بود.

او گفت، این هدفی است که من برای آن تلاش می‌کنم. و من پشتکار دارم. من برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم.

در واقع، این جایی است که او به آن منتقل می‌شود، سپس در آیات ۱۲-۱۴، جایی که او شروع به صحبت در مورد این جستجوی هدفمند می‌کند. بنابراین، فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۴، او در آیه ۱۱ می‌گوید، او می‌خواهد به رستاخیز از مردگان دست یابد. و او می‌گوید، اما نه اینکه من قبلاً آن را به دست آورده‌ام یا در حال حاضر کامل هستم، بلکه من برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم زیرا مسیح عیسی مرا از آن خود کرده است.

ای برادران، من گمان نمی‌کنم که آن را از آن خود کرده‌ام. اما یک کار می‌کنم، و آن اینکه آنچه در پشت سر است را فراموش می‌کنم و به سوی آنچه در پیش است، پیش می‌روم. من به سوی هدف می‌روم تا جایزه دعوت الهی به سوی بالا را که در مسیح عیسی است، به دست آورم.

و بنابراین او به سوی رستاخیز از مردگان پیش می‌رود. این هدف است. و او تشخیص می‌دهد که، بین، بدیهی است که من هنوز به آنجا نرسیده‌ام.

و این چیزی است که ما باید بپذیریم و بگوییم، ببینید، ما متوجه هستیم که هنوز راه درازی در پیش داریم. انگیزه او چیست؟ اینکه مسیح او را در آغوش گرفته است. اینکه مسیح پولس را در آغوش گرفته است.

و این همان چیزی است که او را به مسیح با این امید، با این امید مطمئن که روزی از مردگان برخیزد، می‌چسبد. می‌خواهم کمی روی این نکته آخر که پولس در آیه ۱۳ درباره آن صحبت می‌کند، مکث کنم. او می‌گوید، یک کاری که من انجام می‌دهم. انگار دارد خلاصه می‌کند و می‌گوید، بین، اگر این را بفهمی، در مسیر درست هستی.

و آن یک چیز فراموش کردن آنچه در پشت سر است و تلاش برای رسیدن به آنچه در پیش است، و تلاش برای رسیدن به هدف است. بنابراین می‌خواهم کمی در مورد این ایده فراموش کردن گذشته و تلاش برای رسیدن به هدف

فکر کنم. ممکن است تمایلی در افراد وجود داشته باشد که فکر کنند گذشته‌شان چیزی است که تعیین می‌کند آنها چه کسی هستند.

می‌خواهم در مورد آنچه می‌گویم شفاف باشم. گذشته ما مطمئناً شخصیت ما را شکل می‌دهد. نمی‌توان این را انکار کرد.

کاملاً. اما این به طور خودکار مشخص نمی‌کند که ما چه کسی هستیم. بنابراین وقتی پولس در فصل سوم، آیات دو تا شش، به رزومه معنوی خود، رزومه قبل از گرویدنش اشاره می‌کند، می‌گوید، ببینید، صرف نظر از اینکه گذشته ما چیست، و اینها دسته بندی‌های بسیار گسترده‌ای هستند، درست است؟ خوب یا بد، می‌تواند مانعی برای پیشرفت در رابطه ما با مسیح باشد.

اما منظورم این است. اگر بد باشد، می‌توانیم به خاطر تجربیات یا تصمیمات یا انتخاب‌هایی که تا به امروز ما را غمگین کرده‌اند، احساس گناه کنیم. و می‌توانیم تقریباً توسط آنها فلج شویم.

حتی اگر آنها دهه‌ها پیش اتفاق افتاده باشند، ما می‌توانیم خود را گروگان گذشته، چیزهای بدی که انجام داده‌ایم یا برای ما اتفاق افتاده است، بیابیم. اما همچنین می‌توانیم گروگان خوبی‌های گذشته خود باشیم، اینکه شروع به تکیه بر شجره‌نامه، میراث، دستاوردهای گذشته یا چیزهایی از این قبیل کنیم. و شروع به اعتماد به آنها کنیم.

و منظور پولس این است که ما باید آن چیزها را فراموش کنیم. فکر نمی‌کنم منظور پولس این باشد که آنها را به خاطر نیاوریم. او همین الان در ابتدای فصل سوم به برخی از آنها اشاره کرد.

بنابراین فراموشی به معنای تظاهر به اینکه هرگز اتفاقی نیفتاده نیست. نه، من حتی نمی‌دانم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنی. این چیزی نیست که او از آن برداشت می‌کند.

منظور او این است که دیگر اجازه نمی‌دهیم آن چیزها در زندگی و تفکر ما تعیین‌کننده باشند. ما تمایل داریم که اجازه دهیم گذشته‌مان تعریف کند که ما چه کسی هستیم. و می‌خواهم تأکید کنم که این گذشته تأثیرگذار است.

این شکل می‌دهد، اما تعیین‌کننده نیست. پس هدفی که پولس به سمت آن پافشاری می‌کند چیست؟ او آن را پاداش دعوت به سوی تعالی می‌نامد. بنابراین در متن، به انطباق با مسیح اشاره دارد که در رستخیز از مردگان به اوج خود می‌رسد.

و به تصویر رودی توجه کنید. ورزش در دنیای باستان با امروز متفاوت بود، اما پولس در نوشته‌هایش از تصویرسازی ورزشی به میزان قابل توجهی استفاده می‌کند. و در اینجا او از تصویر رودی استفاده می‌کند.

و بنابراین، در اینجا مثالی از تجربه خودم می‌آورم که فکر می‌کنم می‌تواند مفید باشد. وقتی خیلی جوان‌تر بودم، در دبیرستان بودم؛ برای مثال، در دوی صحرایی، مسافت‌های طولانی‌تر، پنج روز دویدم. و یکی از چیزهایی که مربی ما به عنوان یک ترفند کوچک به ما می‌گفت این بود که اگر چشمانتان را روی دونده‌ای که جلوی‌تان است قفل کنید، شاید یا ۱۵ یارد جلوتر، و چشمانتان را روی آن دونده قفل نگه دارید، با گذشت زمان، بدن شما به طور کلی شروع به ۱۰ افزایش سرعت خود می‌کند تا به آن شخص برسد.

اما چیزی در مورد خیره شدن به چیزی در مقابلتان وجود داشت که باعث می‌شد بدن شما به طور طبیعی و به تدریج سرعت خود را افزایش دهد تا به آن شخص برسد. و یکی از بدترین کارهایی که می‌توانید به عنوان یک دونده انجام دهید این است که دائماً این کار را انجام دهید و به عقب نگاه کنید. این دستورالعملی است که منجر به یکی از دو اتفاق می‌شود.

یا به چیزی برمی‌خورید، یا به چیزی که دنبالش نیستید، گیر می‌کنید. بنابراین فکر می‌کنم پولس از این تشبیه استفاده می‌کند تا بگوید، همانطور که در مسابقه مسیحی شرکت می‌کنیم، باید مشتاقانه منتظر مسیح باشیم و نگاهمان را به او ثابت نگه داریم تا با گذشت زمان، بیشتر و بیشتر به سمت او کشیده شویم. بنابراین، این تصویری از چیزی است که فکر می‌کنم پولس در اینجا در مورد آن صحبت می‌کند.

خب، این ما را به ایده اصلی مان در مورد متن می‌رساند. و من آن را به شکل یک سوال مطرح می‌کنم. طرز فکر مسیح در این متن چگونه به نظر می‌رسد؟ فکر می‌کنم این برای تضاد منفی-مثبت اینجا خوب جواب می‌دهد.

پولس می‌گوید، از جنبه‌ی منفی، این به چه معناست؟ به معنای اعتماد به نفس نیست، زیرا اعتماد به نفس، کاری را که خدا در مسیح برای ما انجام داده است، بی‌ارزش می‌کند. و اعتماد به نفس به طرق مختلف خود را نشان می‌دهد.

برای پولس، این خود را در اعتماد به نفس او، در شجره‌نامه‌اش، در میراثش و غیره، در دستاوردهای معنوی‌اش نشان می‌داد. بنابراین می‌تواند در اعتماد به نفس ما در شجره‌نامه‌مان و همچنین در عملکردمان نیز نمایان شود. و قبل از اینکه خیلی سریع از آن بگذریم، ما به عنوان مسیحیان می‌توانیم کارهای مشابهی انجام دهیم.

می‌توانیم به شجره‌نامه‌مان اعتماد کنیم. خب، پدرم کشیش بود. والدینم مبلغ مذهبی بودند.

اینها چیزهای خوبی هستند. عالیه. چه نعمتی.

اما اگر به این موضوع در مقابل خدا اعتماد کنید و بگویید، خب، این باعث می‌شود کمی استراحت کنم چون پدر و مادرم خیلی روحانی بودند. این کمکی نمی‌کند. یا به عملکرد خودمان اعتماد داشته باشید.

خب، منظورم این است که وقتی جوان‌تر بودم، واقعاً کارهای معنوی انجام می‌دادم. در نهایت، اعتماد به نفس راه رسیدن به طرز فکر مسیح‌گونه نیست. پس یعنی چه؟ دنبال کردن مسیح با تمام وجود.

همه چیز را در مقایسه با شناخت مسیح و تلاش برای رسیدن به امید نهایی‌مان، زباله یا آشغال دانستن. این چیزی است که به نظر می‌رسد. دنبال کردن مصمم مسیح.

حالا، بیا ببینیم با چند کاربرد در اینجا نتیجه‌گیری کنیم. خدا می‌خواهد ما چه فکری کنیم؟ خب، یک چیز این است که شناخت مسیح از هر چیز دیگری ارزشمندتر است. ما در زمان و مکانی زندگی می‌کنیم که دائماً با چیزهایی که توجه ما را به خود جلب می‌کنند، بمباران می‌شویم.

به این نگاه کن. دنبالش برو. این چیزیه که واقعاً می‌خوای.

این چیزیه که واقعاً بهش نیاز داری. این چیزیه که قراره خوشحالت کنه. این مشکلات رو حل می‌کنه.

و ما توسط این پیام‌ها بمباران می‌شویم، و باید این نتیجه قاطع را در ذهن خود داشته باشیم که شناخت مسیح از هر چیز دیگری ارزشمندتر است. ایمان داشته باشید. ما باید باور کنیم که اعتماد به نفس هیچ سودی ندارد.

خیلی وسوسه‌انگیز است که فکر کنیم رابطه‌ی مداوم ما با خدا، که عشق خدا به ما در یک روز معین، به وضعیت معنوی ما بستگی دارد. خب، رفیق، این هفته‌ی آخر، من اوقات خلوت خودم را دارم. دارم کتاب مقدس می‌خوانم.

. دارم دعا می‌کنم. دارم انجیل را به اشتراک می‌گذارم. دارم واقعاً با مردم مهربان هستم.

دارم از پش برمی‌آیم. و خدا حتماً این هفته خیلی دوستم داشته. و بعد هفته‌ی بعد از راه می‌رسد، و ما می‌گوییم، آره، من انجیل را نخورده‌ام.

من دعا نکرده‌ام. من هیچ‌کدام از این کارها را انجام نداده‌ام. خدا این هفته حتماً آنقدرها هم مرا دوست نداشته است.

. در نهایت، این اعتماد به نفس را در جسم ایجاد می‌کند. و بنابراین باید درک کنیم که این هیچ سودی برای ما ندارد. سوم، آرزو.

اشتیاق برای ادامه دادن در جستجوی مسیح. یکی از چیزهایی که فکر می‌کنم اخیراً خداوند به من الهام بخشیده است توجه بیشتر به مقدسین باتجربه، مؤمنانی که زندگی مسیحی طولانی‌تری از من داشته‌اند، و مشاهده این است که چگونه آنها حتی پس از دهه‌ها شناخت مسیح، همچنان به دنبال او هستند. چگونه آنها با مسیح را تازه و لذت‌بخش و چیزی که هنوز از آن لذت می‌برند، نگه می‌دارند؟ این با اشتیاق شروع می‌شود.

ما باید مشتاق باشیم که مسیح را دنبال کنیم. و سپس این کار را انجام دهیم. چیزهایی را که وسوسه می‌شوید به جای مسیح به آنها اعتماد کنید، شناسایی کنید.

شاید حتی زمانی را برای فهرست کردن آنها اختصاص دهید و در حضور خداوند به تمایل خود برای اعتماد به آن واقعیت‌ها به جای مسیح اعتراف کنید. بنابراین، این پولس به عنوان نمونه‌ای از خود به عنوان یک طرز فکر مسیح‌گونه است. آنچه در متن بعدی خواهیم دید این است که پولس بر اساس آن، فیلیپیان را به تقلید از او و کسانی که مانند او رفتار می‌کنند، فرا می‌خواند.

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید.» این جلسه دهم، نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه، بخش دوم: خود پولس - فیلیپیان ۳: ۱-۱۴ است.